

تأثیر سیاست‌های فضایی در توسعه پایدار شهرهای بیابانی

منصور رضاعلی* - دکترای برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس
نرجس سادات حسینی - دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸

چکیده

محیط زندگی بشر همواره تحت تأثیر اقلیم بوده و خواهد بود. شهرها از جمله محیط‌هایی هستند که از نظر اقلیمی متفاوت‌اند و برنامه‌ریزی‌های محیطی ویژه برای مدیریت آن‌ها احساس می‌شود. مطالعه اثرگذاری تصمیمات سیاسی در فضای جغرافیایی شهرها با تأکید بر عنصر اقلیم در توسعه و پایداری آن‌ها تأثیر اساسی دارد. بنابراین، روابط متقابل سیاست و فضا در شهر از موضوعات مهم مورد بررسی جغرافی‌دانان عصر حاضر است. برای بررسی این روابط، درک شرایط جغرافیای طبیعی بسیار حائز اهمیت است. شهرها از نظر اقلیمی مختلف‌اند و دارای ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی و زیست‌محیطی خاص خود می‌باشند. در این مقاله کاربردی، با روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای سعی بر آن است که، علاوه بر ویژگی‌های شهرهای بیابانی، نوع سیاست‌های فضایی در این شهرها بررسی شود. سؤال مطرح شده در اینجا این است که شرایط جغرافیایی طبیعی شهرهای بیابانی به‌ویژه آب و هوا در نوع و روش سیاست‌ها و سیاست‌گذاری مدیران شهری چه اثری دارد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد نوع و روش سیاست‌های فضایی در شهرهای کویری و بیابانی با توجه به شرایط جغرافیای طبیعی متفاوت از سایر شهرهاست. بنابراین، شهرهای کویری و بیابانی دارای شرایط و استعدادهای خاصی هستند و با اینکه دارای محدودیت‌هایی نسبت به سایر شهرها می‌باشند، شرایط اقلیمی دارای نقش بنیادی در تدوین و اجرای سیاست‌های متنوع در این شهرها در جهت رسیدن به توسعه و پایداری است.

کلیدواژه‌ها: بیابانی و کویری، توسعه، سیاست، شهر، فضا، توسعه.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه ملی سیاست‌هایی است که با این هدف تدوین می‌شوند. این سیاست‌ها در سطوح مختلف شکل می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین سطوح سطح شهری است. اشکال متفاوت و متلون سیاست شهری با هدف توسعه پایدار بازتاب دریافت‌های متغیر از شهرها و نقش بالارزش آن‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی ملی است (یوسفی و مؤمنی، ۱۳۹۳: ۱). بنابراین، مطالعات زیادی در ارتباط با گسترش شهر و شهرنشینی در دهه‌های اخیر و تأثیرات گوناگون آن صورت پذیرفته است و جغرافی‌دانان و به‌ویژه جغرافی‌دانان سیاسی زوایای گوناگون آن را کاوش کرده‌اند. یکی از مباحثی که هنوز قابلیت بررسی و مطالعه مداوم دارد ارتباط شهر و سیاست است (بدیعی و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۵۸) که باعث تخصیص فضای شهری به کاربری‌های مختلف موردنیاز در طی زمان و درجهت‌رسیدن به اهداف توسعه شهری می‌شود (درویشی، ۱۴۰۰: ۷۳۳).

درواقع، تدوین سیاست‌های شهری با رویکردی راهبردی زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که با شرایط خاص محیطی و جغرافیای شهری هم‌خوانی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین عناصر جغرافیایی در بررسی‌ها و مطالعات شهری و اجرای سیاست‌های توسعه فضایی شهر اقلیم است. بنا بر گفته کنز، اقلیم ساختار فیزیکی تودرتو در کالبد مکان است که تأثیر زیادی بر عملکرد انسان در شهرهای مختلف دارد. مکان و خرده‌اقلیم‌های آن به‌منزله یک طرحواره در حافظه انسان ثبت می‌شود و درواقع ابزاری تجربی برای درک و به‌دست‌آوردن اطلاعات از فضاهای شهر می‌شود (کنز، ۲۰۰۳: ۵۲).

بنابراین، اهمیت شناخت وضعیت موجود شهرها و شرایط جغرافیای طبیعی آن‌ها به‌منظور برنامه‌ریزی مطلوب برای آینده از یک سو و اهمیت مقیاس در رسیدن به توسعه با توجه به اهمیت و ضرورت سیاست‌گذاری از سوی دیگر مبین آن است که سازمان‌دهی جغرافیایی و سیاست‌گذاری در ارتباط تنگاتنگ با هم قرار دارند (کامران و حسینی، ۱۳۹۸: ۵). درواقع، شناخت تأثیر عوامل و عناصر آب و هوایی در فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها اهمیت می‌یابد (سعیدی و ارجمند، ۱۳۹۳: ۲۱۴). شهرهای کویری و بیابانی، با توجه به شرایط خاص محیطی و جغرافیایی و تنگناها و محدودیت‌های توسعه‌ای ناشی از آن، همواره حوزه‌های پُرچالش در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی قلمداد شده‌اند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰). استفاده غیرمنطقی انسان از سرزمین در بسیاری از نقاط دنیا به‌ویژه مناطق بیابانی به نابودی پتانسیل‌های طبیعی و منابع در آن منجر شده است؛ به‌طوری‌که جای شکی باقی نمی‌ماند که نائل‌شدن به توسعه پایدار مستلزم اجرای سیاست‌های فضایی در توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی براساس توان بالقوه منابع و ظرفیت قابل تحمل محیط زیست است. امروزه، در شهرهای بیابانی و کویری تعیین و تحلیل توان بالقوه و تخصیص کاربری‌های متناسب با توان سرزمین روشی است که می‌تواند میان توان طبیعی محیط، نیاز جوامع، کاربری‌ها و فعالیت‌های انسان یک رابطه منطقی و سازگاری پایدار به‌وجود آورد. مهم‌تر آنکه جغرافیای سیاسی می‌تواند به مباحث جغرافیایی بُعد سیاسی و قلمرو حاکمیتی در فضای شهری بپردازد و ناحیه شهری را به‌عنوان یک اکوسیستم جغرافیایی بررسی نماید. همچنین، سیاست‌های شهری از نقش‌آفرینی‌های عوامل محیط طبیعی (پایدار) تأثیرات زیادی می‌پذیرد. اما سؤال این است که جغرافی‌دانان چگونه به شهر بیابانی و کویری می‌نگرند و چه جایگاهی برای این شهرها در مباحث توسعه مربوط به کشور قائل‌اند. به بیان ساده‌تر، توسعه و پایداری در این فضاهای شهری با توجه به چه سیاست‌هایی بررسی و اجرا می‌شود؟ فرض پژوهش حاضر بر این است که شهرهای بیابانی و کویری، با توجه به ویژگی‌های طبیعی‌شان، به اشکال گوناگون در ابعاد نظری/کاربردی با محوریت عناصر سه‌گانه «سیاست، فضا، قدرت» مورد مطالعه جغرافی‌دانان قرار می‌گیرند و سیاست‌های فضایی با توجه به مؤلفه‌ها و معیارهای توسعه‌یافتگی شهرهای بیابانی قابل بررسی است.

عموماً، ارزیابی چگونگی کاربری اراضی شهری منعکس‌کننده تصویری گویا از نظر سیمای شهری، تخصیص فضای شهری به کاربری‌های مختلف مورد نیاز در طی زمان، و در جهت رسیدن به اهداف توسعه شهری است (درویشی، ۱۴۰۰: ۷۳۳).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است و روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای و شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش‌شناسی کیفی است. در این راستا و برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف در این پژوهش مبتنی بر استنتاج عقلانی کوشش شده به تبیین نقش اقلیم در سیاست‌های شهری پرداخته شود.

بنیان‌های نظری

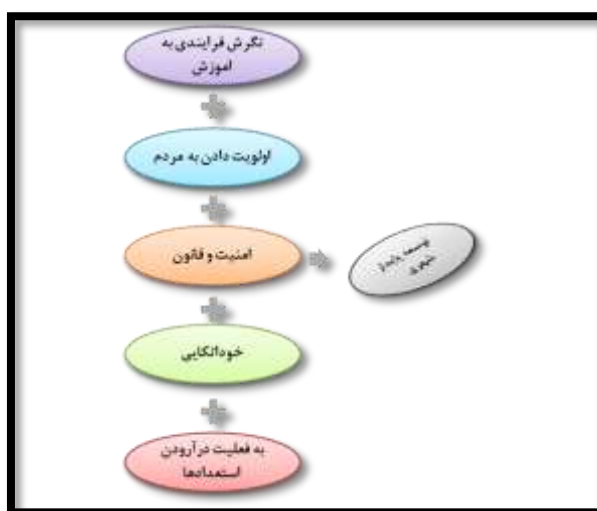
توسعه پایدار

در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی^۱ آمد. این سازمان در گزارش خود با نام استراتژی حفظ منابع طبیعی این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می‌آید. پایداری در چهار بُعد طبیعی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی مستتر است. درحقیقت، توسعه پایدار فقط بر جنبه زیست‌محیطی اتفاقی تمرکز ندارد، بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه دارد. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد، و محیط زیست است. توسعه پایدار فرایند پیچیده‌ای است که با اهداف سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، و اجتماعی در کنش است (کای و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، توسعه دارای ابعاد مختلفی است؛ از جمله توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، و توسعه انسانی.

در «کنفرانس زمین» توسعه پایدار چنین تعریف شد: رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالحه با نسل‌های آینده درباره نیازهای آن‌ها. کمیسیون جهانی محیط زیست توسعه پایدار را این‌گونه تعریف کرد: «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی، و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.» کمیسیون «برانت لند» درباره توسعه پایدار می‌گوید: توسعه پایدار به‌عنوان یک فرایند لازمه بهبود و پیشرفت است؛ فرایندی که اساس بهبود وضعیت و از میان‌برنده کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب، و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی همه جوامع و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه باشد. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۲ توسعه پایدار را توسعه‌ای می‌داند که، ضمن برآوردن نیازهای نسل امروز، توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن احتیاجاتشان به مخاطره نیفکند. طبق تعریف فوق، اگر منظور از توسعه گسترش امکانات زندگی انسان است، ناگزیر باید با نگاهی به آینده ابعاد آن ترسیم شود (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۶). یکی از مباحث مهم توسعه مفهوم «توسعه پایدار شهری» است که توسعه‌ای مبتنی بر نیازهای واقعی و تصمیم‌گیری‌های عقلانی با در نظر گرفتن ملاحظات مختلف اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی است. پایداری شهری که با معیارهایی نظیر عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی، افزایش کارآمدی نهادهای اجتماعی، ارتقای فرهنگ شهروندی و کارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه کلان‌شهری و بهینه‌سازی مناسبات مدنی قوام می‌یابد، آرمانی برای کیفیت پویایی زندگی شهری و سبک جدید زیستن است. توسعه شهری پایدار در طول

1. IUCN
2. WCED

دهه ۱۹۹۰ و تا به امروز مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از شهرهای جهان مسائل و چالش‌های اساسی مانند ترافیک و تراکم زمین، ساختمان‌های متروک و خالی از سکنه، تغییر کاربری زمین، آلودگی صوتی، آلودگی آب، و بسیاری از موضوعات زیست‌محیطی دیگر موضوع پایداری شهرها را مطرح می‌کنند. بنابراین، با توجه به مشکلات کلان‌شهرها، باید به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری توجه کرد و برای رسیدن به توسعه پایدار انسانی، شهر پایدار، و پایداری شهری، باید برنامه‌ریزان، شهرسازان، و مدیران شهری با مدیریت صحیح بتوانند فضایی سالم و درخور برای مردم ایجاد کنند. پایداری می‌تواند نتیجه سیاست‌های فضایی شهری باشد که جنبه‌های مختلف زندگی شهری را با هم مرتبط می‌کند. از پیش‌شرط‌های رسیدن به توسعه پایدار، می‌توان به پنج مورد اشاره کرد که در شکل ۱ نمایان است:



شکل ۱. پنج عنصر اصلی رسیدن به توسعه شهری

دراکاکیس اسمیت^۱، در فرایند شهرنشینی پایدار، اصول و رهیافت‌های توسعه پایدار را به‌عنوان اصلی در مطالعات توسعه شهرها پیشنهاد می‌کند که توجه به برابری و مساوات در رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، و حقوق شهروندی دسترسی مناسب به خدمات و نیازهای اساسی و ارتقای آگاهی نسبت به محیط زیست حرکتی مناسب به سوی کارایی بیشتر در استفاده از منابع، محیط زیست، و عدالت اجتماعی خواهد بود که شهرها را به‌سوی پایداری سوق خواهد داد. توسعه پایدار شهری از چهار جنبه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و نهادی درصدد حل مشکلات شهر است (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۶). مفهوم توسعه پایدار به تغییرات شهری و به فرم کالبدی شهری نیز توجه دارد و نکاتی مانند برنامه‌ریزی آموزشی، بهداشتی، و رفاه اجتماعی را نیز دربر گرفته است. توسعه پایدار شهری بهره‌وری در استفاده از زمین و تشویق به استفاده مجدد از ساختمان‌هاست. با توجه به اینکه امروزه با مسائلی همچون گرم‌شدن هوا، مصرف بی‌رویه انرژی، و استفاده بی‌قیدوبند از منابع تجدیدناپذیر روبه‌رو هستیم و شهرها جزو عوامل اصلی بروز این ناهنجاری‌ها در انسان و طبیعت‌اند، باید سیاست‌گذاری‌های اصولی و فرامنطقه‌ای را در به‌کارگیری و مصرف در پیش بگیریم. برای تحقق توسعه پایدار شهری اتخاذ سیاست‌های مناسب یکی از عوامل بنیادی قلمداد شده است (مشکبید و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۸۵).

سیاست‌های فضای شهر

بازیگران سیاسی، به‌ویژه دولت‌ها، در تولید فضاهای جغرافیایی همچون شهرها و تغییرات ساختاری و کارکردی در فضا مانند ایجاد تعادل یا عدم تعادل جغرافیایی نقش‌آفرینی می‌کنند. فضای شهری بازتابی از کارکردهای سیاسی است و کارکردهای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در تولید فضا نقش دارند و فضا نیز بستر و مقر کارکردهای مختلف است که توجه به شهر در برنامه‌ریزی شهری توسعه هدفمند و متعادل را ضروری می‌سازد. به بیانی دیگر، حکومت محلی باید کالاهایی را که برای همه افراد منفعت دارد و باید در قالب کمیت و کیفیت قابل قبول در مکان مناسب بر حسب یک هدف معین توزیع شود تهیه نماید (زنگانه و معماری، ۱۴۰۰: ۴۷۷). سیاست‌های فضای شهری زنجیره‌ای هستند از تصمیم‌های اختیارشده توسط مراجع عمومی در شهر، که بر نحوه زیست انسان‌ها در شهرها، مسائل شهرها، و کیفیت زندگی در آن‌ها اثر می‌گذارند. سازمان‌دهی سیاسی فضا عبارت از فرایندی است که طی آن بخشی از سطح زمین، که به وسیله مرز محدود شده، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌شود. مهم‌ترین اهداف اجرای این فرایند ارائه خدمات بهینه به شهروندان است (راهپیمای و غلامی، ۱۴۰۰: ۶۳۹). با توجه به اهمیت شرایط جغرافیایی و فضایی در تدوین و اجرای سیاست‌های شهری، جغرافی‌دانان باید بیش از گذشته به تعامل فرایندهای سیاسی و پیامدهای فضایی آن‌ها توجه کنند. از نظر ریچارد مویر، جغرافی‌دانان سیاسی بزرگ به تعامل فرایندهای سیاسی با فضای جغرافیایی به‌ویژه نیروهای گریز از مرکز (در شهرهای بیابانی و کوهستانی) و مرکزگرا (شهرهای ساحلی) توجه زیادی نشان می‌دهند. کوهن جغرافی‌دانان سیاسی را برای به‌کارگیری دیدگاه فضایی-جغرافیایی در مطالعاتشان امیدوارتر کرد و به تشریح ویژگی‌های فضایی پرداخت (مویر، ۱۳۷۹: ۴) به‌عنوان مثال، محیط زیست فیزیکی چگونه توزیع فضایی مردم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اگر جمعیت در یک جا متراکم باشد، یکپارچه کردن آن آسان‌تر است و اگر در منطقه وسیعی پراکنده باشد، نسبت به ناحیه‌گرایی آسیب‌پذیرتر است. عدم پیوستگی در الگوی استقرار می‌تواند اثر تجزیه‌کنندگی قطعی داشته باشد و سدهای فیزیکی ممکن است باعث بروز هویت ناحیه‌ای شود (میرحیدر، ۱۳۸۶، ۳۱). بنابراین، «شهر» و «فرایند شهرنشینی» مبدأ و بستر تحولات گسترده و یکی از اهرم‌های اساسی «توسعه» محسوب می‌شود. اما درباره تأثیر این انقلاب (شهر و شهروندی) بر مقوله توسعه سیاسی و سیاست تحقیقات زیادی انجام نشده است. بنابراین، فرایندهای فضای شهری تأثیرات کم تا زیادی بر کل مفهوم سیاست به‌ویژه توسعه سیاسی دارند. ژان گاتمن بر این باور است که «سیاست» در اصل برای مطالعه امور «شهر» است. در شهرهای معاصر، می‌توان ارتباط فضایی نزدیکی بین حیات سیاسی بشر و نقش‌آفرینی بازیگران شهری تجسم کرد. مسلماً این موضوع باعث می‌شود فضای شهری و در کل شهر به نوعی پدیده سیاسی-فضایی جدیدی تبدیل شود و با توجه به ماهیت سیاسی-فضایی جدید خود مستلزم بررسی و مطالعات متفاوتی در چارچوب دانش جغرافیایی سیاسی باشد (روسی و وانولو، ۱۳۹۵: ۳-۵). در واقع، شکل‌گیری شهر و توسعه شهرنشینی ضمن اینکه متأثر از نتایج تصمیم‌گیری‌های عمدتاً سیاسی است، خود نیز پیامدهای فوق‌العاده‌ای در سیاست ملی، منطقه‌ای، و حتی جهانی دارد. از این رو، «مطالعه نوع شهر» عبارت است از درک جامعه ناحیه‌ای از راه مطالعه ساختار محیطی، کنش‌های سیاسی، و نظام معیشتی آن. زیرا نخستین محیط زندگی شهروندان شهر است که بیشترین اثرگذاری را در چگونگی‌های جغرافیایی-سیاسی جهان دارد. بنابراین، فرایندهای فضای شهری تأثیرات کم تا زیادی بر کل مفهوم سیاست به‌ویژه توسعه سیاسی دارد (کامران و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۵). در واقع، شهرها محل پیوند و سازمان‌یابی فضایی نیروها و فرایندهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی در بستر محیط جغرافیایی و شکل‌دهنده روابط و جریان‌های مختلف و متنوع انسان و محیط براساس چارچوب پارادایمی مسلط بر نظام سیاسی حاکم‌اند. در فرایند

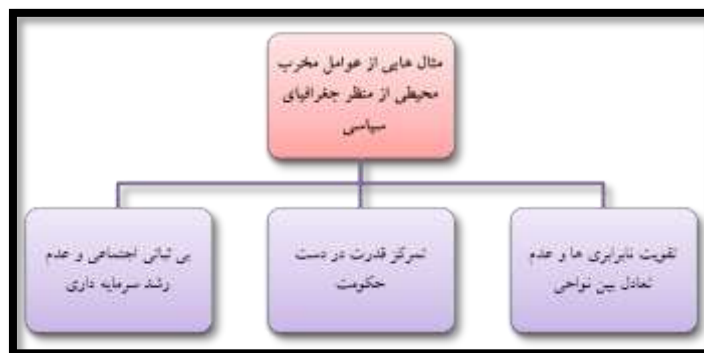
تحول‌یابی سازمان فضایی شهرها، عوامل یا نیروهای درونی و بیرونی کل شهر و پیرامون، متقابلاً، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (درسخوان و جعفری پابندی، ۱۳۹۶: ۱۶).

یافته‌های پژوهش

توسعه پایدار در شهرهای کویری و بیابانی با تأکید بر سیاست‌های فضایی

از ابتدای حیات، بشر به دنبال فضاهایی بوده که در آن‌ها عوامل آسایش اقلیمی مطرح باشد. درواقع، اقلیم نقش بسزایی در مقبول واقع شدن یک فضا دارد (رحیمی و صبوری، ۱۳۹۷: ۱۰۷). در سال‌های اخیر جنبه جغرافیای مباحث توسعه عمومیت یافته است، زیرا تفاوت در سطح توسعه همیشه با محیط در ارتباط است (کروگمن، ۱۹۹۹: ۱۴۳). شهرهای بیابانی و کویری، نسبت به شهرهای دیگر، دارای شرایط سخت و نامناسب‌تری برای زندگی‌اند. درواقع، کشورهای که در مناطق گرم و خشک کره زمین قرار گرفته‌اند و دارای شهرهای گرم و بیابانی‌اند، به دلیل کمبودها و شرایط نامناسب زندگی، مشکلات و مسائل زیادی برای حکومت‌های خود به‌بار آورده‌اند. این شهرها دارای کمبود آب، زمین‌های شور و نمکی، خاک نامساعد کشاورزی، درختان و درختچه‌های بی‌حاصل و ... هستند و برای اینکه در این شهرها بتوان زندگی کرد حکومت و بالاخص حکومت محلی باید تدابیر ویژه‌ای بیندیشد تا با مدیریت و سازمان‌دهی و اتخاذ تصمیم‌ها بر روی محیط تأثیر منفی نگذاشته و اوضاع را نابسامان‌تر از اینکه هست نکند. از نظر اقلیمی، این شهرها، در شمار مناطق گرم و خشک دسته‌بندی شده‌اند و بارندگی اندکی دارند و میزان تبخیر آن‌ها چندین برابر میزان ریزش‌های جوی است. از نظر پوشش گیاهی نیز بسیار فقیرند و به‌سبب چرای بی‌رویه و مداوم، تغییرات آب و هوایی، خشک‌سالی‌های اخیر و شخم‌زدن مراتع به‌منظور کشت دیم و تعیین حدود مالکیت صدمات زیادی دیده‌اند و بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری آن‌ها از بین رفته است. تأثیرات بیابان‌زایی در حال حاضر از مناطقی که از نظر اقلیمی در شمار پهنه‌های بیابانی به‌شمار می‌آیند فراتر رفته و مناطق حاشیه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار داده است (صابری‌فر و خزایی، ۱۳۹۴: ۱۸۷). درواقع، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقلیمی شهرهای کویری تغییرات شدید رژیم بارش آن است که این نوسانات نقش بسیار مهمی در محدودیت دسترسی به منابع آب دارد و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در بخش‌های مختلف مانند کشاورزی، منابع آب، محیط زیست، اقتصاد، و اجتماع تأثیر گذاشته و باعث ایجاد مشکلاتی می‌شود (خوش‌اخلاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸). متأسفانه، امروزه مطالعات شهری از شرایط فیزیکی حاکم بر شهرها دور شده‌اند و به جای آن همه پدیده‌های شهری در ارتباط با ایدئولوژی اهداف نظام‌های حکومتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی را مطالعه می‌کند؛ زیرا محیط ساخته‌شده شهری و ساخت فضایی از سیاست نظام‌های حکومتی نشئت می‌گیرد و گروه‌های انسانی و فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی آن‌ها را در نقاط معین شهری جای می‌دهد.

اما باید توجه داشت که سیاست‌های فضایی از نقش‌آفرینی‌های عوامل محیط طبیعی (پایدار) تأثیرات زیادی می‌پذیرد. فرایند یکپارچه‌سازی و وحدت، عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی تحت کنش‌های درازمدت فضای طبیعی به‌طور عام و مؤلفه‌هایی مانند اقلیم، ناهمواری، وسعت، و شکل شهرها به‌طور خاص بوده است. کارکرد این عوامل هم مثبت و سازنده هم منفی و تخریبی است (بلادپس و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۰)، ولی درمجموع در شهرهای بیابانی نقش تخریبی آن‌ها بر پیکره شهر بیشتر است. در مثال‌های زیر می‌توان به عوامل مخرب محیطی اشاره کرد:



شکل ۲. مثال هایی از عوامل مخرب محیطی از منظر جغرافیای سیاسی

این عوامل مخرب باعث ایجاد عدم تعادل در روند شهرهای بیابانی می شود؛ شهرهایی که متأثر از متغیرهای مختلفی است؛ از جمله صنعتی شدن، تمرکز امکانات و تسهیلات رفاهی، و همچنین اقدامات نادرست در تقسیم منابع درآمدی. این عوامل، علاوه بر برهم زدن نظم و تعادل شبکه شهری، موجب مشکلات دیگری می شوند؛ از جمله مهاجرت، حاشیه نشینی، خوابگاهی شدن شهرهای اقماری، ایجاد شکاف و فاصله شدید بین کلان شهرها و سایر شهرهای کوچک (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). از دیدگاه توسعه، برخورداری از قابلیت های مختلف طبیعی و نیز میزان بهره مندی از امکانات و استعدادهای خدادادی و نحوه استفاده از آنها نشان دهنده وضعیت جوامع شهری در هر منطقه است. بنابراین، تعیین سطوح برخورداری و توسعه نواحی شهری و بررسی نقاط قوت و ضعف شرایط هر ناحیه در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی زمینه تخصیص بهینه منابع و امکانات را برای توسعه هماهنگ می کند (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱). با توجه به مطالب فوق، باید گفت شهرهای کویری و بیابانی جغرافیای خاص خود را دارند؛ جغرافیایی که شرایط و ویژگی های متمایز با سایر شهرها را برای آنها به ارمغان آورده است. به طور کلی، خصوصیات شهرهای بیابانی و کویری در تصمیم گیری های صاحبان قدرت و اعمال سیاست های فضایی در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، ارتباط متقابل سیاست و فضا در نوع و میزان برنامه ریزی های شهری و به دست آوردن توسعه پایدار (قدرت و ثروت) اثرگذار بوده و باعث می شود جغرافیای سیاسی خاصی برای شهرهای کویری و بیابانی تعریف شود. برای اینکه نتیجه بهتری از مباحث گفته شده به دست آید، دگرگونی ها و تغییرات موجود در کنش های سیاسی در ابعاد مختلف فضای شهرهای کویری و بیابانی بررسی می شود.

بُعد سیاسی

درک سیاست اساساً متکی بر تحلیل قدرت است. جغرافی دانان از طریق تشریح مفاهیم اجتماعی- فضایی در مطالعات مناسبات قدرت سهم مهمی دارند (رافستین، ۱۹۸۰؛ الن، ۲۰۰۳). دولت نهاد سیاسی اصلی در یک کشور و نماینده اصلی حکومت است (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۴۴). امروزه، آنچنان که باید دولت نیاز شهرهای کویری را پاسخ گو نبوده است. از طرفی، در برنامه های توسعه فصل خاصی برای آن در نظر گرفته نشده و فقط در حاشیه برنامه های توسعه شهری و کشاورزی و صنعتی به آن اشاره شده است. در واقع، در طی چند دهه اخیر، راهبرد حاکم بر برنامه ریزی های ملی راهبرد بخشی بوده است. این راهبرد و نبود هماهنگی بین بخش ها و نهادها باعث شدید شدن مشکلات شده است. روشن تر آنکه، شهرها اساساً پدیده سیاسی- فضایی اند و فعالیت های مختلف در شهر نمی تواند متأثر از سیاست نباشد. به دیگر سخن، ما واقعاً در حال گذار به نظام جهانی متفاوتی هستیم که دارای سیاست اساساً متفاوتی است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۵) و شهرها، که

بازیگران اصلی این نظام جهانی‌اند، از این تفاوت و دگرگونی جدا نیستند و سیاست کنونی در سرنوشت شهرها تأثیر بسزایی دارد. دیوید هاروی در اهمیت منطقه شهری آن را ماشین سیاسی قدرتمندی می‌داند. وی رقابت میان مناطق شهری را نوعی «مبارزه ژئوپلیتیکی» قلمداد می‌کند (هاروی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). شهرهای کویری در بازی‌های قدرت و سیاست‌گذاری‌های ملی و فراملی نقش چندان زیادی ندارند. چون، با توجه به گستردگی بیابان و کویر، محل مناسبی برای تدوین و اجرای برنامه‌های دولتی و سیاسی نیستند و پتانسیل پایتخت‌بودن یا پایتخت‌شدن را ندارند و با توجه به شرایط فیزیکی سخت و دشوار و بیابان‌های وسیع از دولت مرکزی دور افتاده‌اند. نظارت بر آن‌ها تا حدودی با نقصان مواجه است. بنابراین، باید در طرح‌های توسعه سیاسی ایجاد حکومت‌های محلی را در اولویت قرار داد. دولت مرکزی باید به جای پرداختن به امور روزمره مردم شهر به امور بین‌الملل توجه داشته باشد و امور داخل قلمرو سرزمین را به خود ملت واگذار کند. مردم شهر باید نیازهای خود را تشخیص دهند و از منابع مالی، که در اختیار آن‌ها قرار داده شده است، به حل مشکلات شهر خود بپردازند. همه فعالیت‌های حکومتی که پایین‌تر از سطح مسائل اقتصادی و امنیتی (ملی) قرار گرفته‌اند در حوزه اقتدار دولت‌های محلی (شهرداری‌ها) قرار دارد (کامران و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۱). دولت محلی به‌عنوان کارگزار حکومت مرکزی در محل انجام وظیفه می‌کند. بنابراین، سیاست‌های فضایی در شهرهای بیابانی باید به دست منتخبان مردم تدوین و اجرا شود تا موفقیت بیشتر حاصل شود. تاریخ امنیتی این شهرها نشانه وجه مثبت آن‌ها نیز هست. به دلیل محیط گرم و خشک این شهرها، خروج از این محیط‌ها بدون تهیه وسایل ضروری امکان‌پذیر نیست و هرگونه عملیات نجات و فرار را غیرممکن می‌کند. امنیتی که خیال زندانبانان را از فرار زندانیان راحت می‌کند و از طرف دیگر خیال حکمرانان را نیز تا حدی راحت می‌نماید. زیرا افرادی که قصد تجاوز به این شهرها را دارند باید سرزمین‌های خشک و لم‌بزرعی را طی کنند. از طرف دیگر، شرایط ژئومورفولوژیکی حاکم بر اطراف شهرها امکان دیده‌بانی گسترده‌ای فراهم می‌کند و حضور دشمن را از فاصله‌های دور امکان‌پذیر می‌نماید و این فرصت را برای مدافعان فراهم می‌کند که تا رسیدن دشمن به مرزهای شهر خود را آماده کنند. و چون مهاجمان فاصله‌های دور را در شرایطی سخت طی کرده‌اند، در صورتی که خیانت از درون شهر نشود، اغلب مهاجمان با شکست روبه‌رو می‌شوند. بنابراین، شرایط این شهرها در حوزه سیاسی می‌تواند مفید واقع شود. زیرا مسائل ایمنی و امنیت شهری با ساختارهای محیطی در ارتباط است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها آسیب‌پذیربودن شهروندان در برابر بحران‌های طبیعی است. شایان توجه است که میزان جرائم شهری با درجه توسعه شهری در رابطه است. به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرائم نیز افزایش می‌یابد. پیداکردن رابطه میان انواع جرائم و تحصیلات، میزان اجاره خانه، میزان تراکم جمعیت، اقلیت‌های قومی در شهرها، غیراستانداردبودن عوامل محیط زندگی، میزان متولدین خارجی، مالکیت خانه، بیکاری و فقر گسترش یافته است. در واقع، با گسترش فیزیکی و اجتماعی این شهرها و تبدیل‌شدن آن‌ها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اجتماعی، و فرهنگی میزان ناهنجاری‌های شهری به‌ویژه در نواحی مرکزی افزایش یافته است. محیط جغرافیایی، ساختارهای نامناسب شغلی، و فقر اقتصادی زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی و رشد بی‌رویه ناهنجاری‌ها را فراهم کرده است. چشم‌انداز جغرافیایی^۱ شکل ظاهری و مرئی و نقشه نماد شیروانی آن را تشکیل می‌دهد. فضای جغرافیایی همچنین، محلی از سطح کره زمین و محیط اطراف آن است که دارای ابعاد چندگانه طول، عرض، ارتفاع، مفر^۲، و موقع^۳ است. در اینجا موقعیت فضا نسبت به فضاهای پیرامون براساس ویژگی‌های فیزیکی همچون جهت، فاصله، شیب، جریان، و پراکندگی و همچنین ویژگی‌های اقتصادی نظیر

1. Geographical Land space
2. Site
3. Location

فاصله زمانی، ارزشی، و طبقاتی سنجیده می‌شود. فضای جغرافیایی به‌طور مداوم در اثر نیازهای اجتماعی-اقتصادی و شرایط تکنولوژیکی در وسعت و فرم تغییر می‌یابد. مطالعه جرم و مکان‌های جرم‌خیز در سال ۱۹۹۳ توسط برانتینگهام^۱ برای کشف عمل متقابل مجرمان و محیط‌های کالبدی و اجتماعی به‌عنوان هدف جرم آن‌ها ارائه شد. به نظر وی، جرم نتیجه عمل متقابل انسان و حرکت در مکان و فضا است. همچنین، مطابق با نظریه فضای قابل دفاع، شیوه طراحی محیطی در انتخاب مکان جرم و ارتکاب جرم به مجرم کمک می‌کند. برخی از نقاط جغرافیایی خاص در شهرهای بیابانی به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی، و اقتصادی دارای فراوانی بالایی جرم‌اند که گره‌های شهری (پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل و نقل شهری)، برخی گذرها، و حواشی شهر دارای این خصیصه‌اند. به‌طور کلی، باید گفت در حوزه سیاست این صاحبان قدرت‌اند که با نقشه و برنامه‌های استراتژیکی خود می‌توانند توسعه و پایداری را در این شهرها ایجاد کنند. توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن شکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۵).

بُعد اقتصادی

توسعه اقتصادی فرایندی است که طی آن شالوده‌های اقتصادی جامعه دگرگون می‌شود؛ به‌طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع، و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. پایداری اقتصادی تضمین می‌کند که توسعه واجد کارایی اقتصادی بوده و منابع به ترتیبی اداره شوند که بتوانند پشتیبان نسل‌های آینده باشند (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۵). توسعه پایدار در فضای شهری سعی در کسب توسعه مستمر و رای توسعه اقتصادی دارد و هدف آن حرکت به سوی عدالت است. این رویکرد برای رسیدن به آینده شهری پایدارتر مبتنی بر حداقل مصرف فضا (منابع طبیعی)، کارآمد کردن اداره جریان‌های شهری، محافظت از سلامت جمعیت شهری، تأمین دسترسی برابر به منابع، خدمات، و مراقبت از تنوع فرهنگی و اجتماعی است؛ با توجه به اینکه توسعه پایدار شهری برآیند تناسب، تعادل، و توازن بین انسان و محیط پیرامونش است که بر حفظ منافع نسل‌های آینده نیز تأکید دارد. در شهرهای بیابانی، با توجه به شرایط نامساعد اقلیمی و به‌طور کلی شرایط بد جغرافیایی و در نتیجه محدودیت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی توسط دولت و صاحبان قدرت، وضعیت اقتصادی نابسامان‌تر از شهرهای دیگر است. بانک جهانی، بر اساس تعریف محافظه‌کارانه‌اش، تعداد افرادی را که در کشورهای جهان سوم همچنان در فقر به‌سر می‌برند و با فلاکت و ناامنی ناشی از فقر دست به‌گریبان‌اند بیش از یک میلیارد نفر برآورد می‌کند؛ در بسیاری از کشورها به‌خصوص در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا شهروندان فقیر نیمی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. توسعه شهری در کنار توسعه یکپارچه ملی برای استفاده از قابلیت‌ها و امکانات کشور و استفاده بهینه از آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. حرکت جوامع به سوی تکامل نیاز به بررسی، مطالعه و شناخت روند گذشته و پیش‌بینی وضعیت آینده دارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹). درواقع، ارزیابی توان استراتژی‌ای اساسی برای استفاده از سرزمین تلقی می‌شود، زیرا با شناسایی و ارزیابی خصوصیات اکولوژیکی منطقه توسعه‌ای همگام با طبیعت حاصل می‌شود. بنابراین، آگاهی از استعدادها و تعیین پتانسیل‌ها می‌تواند راه‌گشای تهیه و اجرای طرح‌های کاربردی و عملی به‌منظور نیل به اهداف اقتصادی، حمایتی، و حفاظتی باشد (امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۱). فاکتور ارزان بودن زمین در حاشیه این شهرها و بخش‌های پیرامونی یکی از مهم‌ترین دلایل رشد و گسترش بی‌رویه در چند دهه اخیر بوده است؛ بدین صورت که معمولاً قیمت و اجاره زمین و مسکن در بخش‌های حاشیه‌ای و پیرامونی شهر (البته با فواصل مختلف در شهرهای

مختلف) خیلی ارزان‌تر از بخش‌های مرکزی شهر و متن اصلی شهر است (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۸). با این حال، توسعه کشورهای که بیشتر مساحت آن‌ها کویری و بیابانی است به دلایل گوناگون با مشکل روبه‌روست.



شکل ۳. دلایل عملی نشدن سیاست‌های فضایی توسعه در شهرهای بیابانی و کویری (کامران و حسینی، ۱۳۹۸)

شرایط طبیعی شهرهای بیابانی تنها ایجادکننده محدودیت برای برنامه‌ریزی‌های مسئولان ملی و محلی نیست. این شرایط حتی می‌تواند مؤلفه‌هایی ایجاد کند که مزیت‌های نسبی به‌بار آورد. مثلاً، با توجه به قرارگرفتن این شهرها در مسیر جاده‌های تجاری، دارای چند نقش‌اند که این نقش‌ها در برخی اوقات در رابطه با منابع طبیعی و امکانات محل ارزش بیشتری پیدا می‌کنند. رقابت‌پذیری ارتباط مستقیمی با سرمایه‌های انسانی، بهره‌وری، توزیع اشتغال، سطح رفاه، و درنهایت کیفیت زندگی مردم دارد. درواقع، ارتباط بین رقابت‌پذیری و انگاشت‌های بیان‌شده دوسویه است؛ بدین معنا که شهرهای بیابانی رقابت‌پذیر سطح بالایی از موارد گفته‌شده را دارند و وجود این مفاهیم نیز به رقابت‌پذیرتر شدن این شهرها کمک می‌کند. بنابراین، ریشه تمرکز منابع و درآمدها در رقابت‌پذیری بین شهرها نهفته است؛ بدین صورت که رقابت‌پذیری و امکانات ناشی از آن، همانند آهن‌ربایی، جمعیت را جذب کرده و باعث ناهمگونی شبکه شهری بیابانی شده است. درواقع، رقابت بین این شهرها از دهه ۱۹۹۰ در متون مدیریت شهری مطرح شده و به‌صورت یک هدف کلان در دستور کار سیاست‌گذاری شهری قرار گرفته است (بیلو و همکاران، ۲۰۱۱).

یکی از اصلی‌ترین امکانات رقابت در شهرهای بیابانی وجود زمین‌های کشاورزی است. با توجه به کمبود بارش و نوسانات دما کشت انواع محصول با محدودیت مواجه است. اما سیاست‌هایی برای کشاورزی مدرن در این شهرها اعمال شده و زمین‌های مستعد را دارای محصول دوچندان کرده است و رونق کشاورزی تا حدودی مدیون برنامه‌های میان‌مدت برای کشت محصولات فصلی اقتصاد این شهرها را تا حدودی رونق بخشیده است. زیرا اگر قرار است توسعه‌ای انجام گیرد و مستمر باشد، باید به‌طور اخص از بخش کشاورزی شروع شود. درواقع، تحولات اقتصادی دهه‌های اخیر زمینه‌ساز دگرگونی‌های همه‌جانبه در نظام‌های زراعی و روابط و مناسبات تولید در بخش کشاورزی شده است. این در حالی است که در کنار نظام‌های نوین نظام سنتی تولید کشاورزی نیز همچنان به بقای خود ادامه می‌دهد (طالشی و سلطانی، ۱۳۹۳: ۷). اما، توسعه کشاورزی باید در جهت افزایش تولید و بهره‌وری پیش رود و علاوه بر میزان تأمین مواد غذایی مورد نیاز ساکنان شهری و روستایی همسو با رشد جمعیت و پتانسیل‌های زمین باشد.

امروزه، تخلیه آب‌های زیرزمینی و عدم جای‌گزین شدن آب این منابع یکی از بزرگ‌ترین مشکلات شهرهای بیابانی محسوب می‌شود. در اثر بهره‌برداری‌های غیرمجاز و بی‌رویه، سطح آب‌های زیرزمینی هر سال افت می‌کند (اسماعیل‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵). افت سطح سفره‌های آب زیرزمینی، افزایش هزینه‌های استخراج، شورشدن ذخایر آبی، پیشروی کویر، و نشست زمین از جمله آثار برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی است. بنابراین، مدیریت و اجرای طرح‌هایی برای جلوگیری از بحران آب امری ضروری است. بنابراین، تغذیه مصنوعی آبخوان، به‌عنوان راهبردی کارآمد جهت تقویت و توسعه منابع آب زیرزمینی و جبران زیان‌های وارده به آن‌ها، می‌تواند طرح کاربردی در این شهرها باشد. در حال حاضر، طراحی‌های نامناسب بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی در بعضی نقاط موجب شده تا مردم با این تصور که زندگی در این مناطق بسیار دشوار است حاشیه کویرها را ترک و به مناطقی با شرایط آب و هوایی مناسب‌تر کوچ کنند. از این رو، بررسی و شناسایی ویژگی برخی سازه‌های کویری مانند آسیاب‌های کویری، بادگیرها، آب‌انبار، قنات‌ها، خانه‌های خورشیدی، بازارها و کاروانسراها - که در گذشته مناسب شرایط اقلیمی ساخته شده‌اند - لازم و ضروری است تا نشان دهیم با ساخت مناسب این سازه‌ها مانند خانه‌ها، قنات‌ها، آب‌انبارها، و بادگیرها در حال حاضر متناسب با پتانسیل‌های زیستی و اقلیمی منطقه و حفظ و نگهداری این سازه‌ها می‌توان همانند گذشته به زندگی در این مناطق ادامه داد و در جهت احیای اقتصاد این مناطق اقدام کرد. همچنین، گسترش پدیده بیابان‌زایی، در شهرهای کویری و حاشیه آن‌ها، از طریق از بین بردن فرصت‌های اشتغال و کاهش درآمدها و ... باعث افت سطح زندگی مردم می‌شود. علاوه بر آن، کاهش درآمد و میزان اشتغال، به‌طور غیرمستقیم، زیرساخت‌های شهری را متأثر (کراتچفیلد و همکاران، ۱۹۸۲) و سیاست‌های فضایی مسئولان را دچار نقصان می‌کند. نتیجه اینکه تصمیمات و اجرای طرح‌ها و سیاست‌های اقتصادی در شهرهای بیابانی به شرایط جغرافیایی و فضایی وابسته است و تعامل اقتصاد، سیاست، و فضا محققان را بر آن داشته تا سیاست‌های فضایی در شهرهای بیابانی و کویری را کنکاش و مطالعه کنند. زیرا تصمیمات جزئی در سطوح فضایی خرد ملی زمینه‌ساز اجرای درست تصمیمات کلی در سطوح فضایی ملی و فراملی است. بنابراین، می‌توان رویکردی جهانی - محلی به توسعه در شهرهای کویری داشت. بدین صورت که برای موفقیت در رقابت اقتصادی در عرصه جهانی به پتانسیل‌ها و مسائل درونی خود به دیدی جهانی می‌اندیشند و سعی می‌کنند از ویژگی‌های منحصر به فرد خود حداکثر استفاده را بکنند. تحقق برنامه‌های مدیریتی در یک منطقه بدون توجه به مسائل اقتصادی نه تنها نتایج مطلوبی به همراه ندارد، بلکه اثرهای منفی آن به مراتب بیشتر خواهد بود. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان این مناطق، شناسایی جایگاه و رتبه مناطق از نظر برخورداری از مواهب طبیعی توسعه ضروری است. شهرهای بیابانی از ویژگی‌هایی برخوردارند: آب و هوای سخت و دوری از دریاها و رودخانه‌های مهم. چنین شهرهایی غالباً به دلیل موانع فیزیکی همچون بیابان‌ها و فلات‌های مرتفع یا مسافت‌هایی طولانی از فقدان تعامل زیاد با دیگر بخش‌ها رنج می‌برند. به لحاظ تاریخی، اقتصاد آن‌ها بیشتر از اقتصادهای دریایی خودکفا بوده، ولی مؤلفه‌های سیاسی آن‌ها کمتر تحت تأثیر ایده‌ها و تحولات است و گرایش به نظام‌های بسته دارند. همچنین، گاهی دارای پایگاه‌های صنعتی فرسوده‌ای هستند که اقتصادهای شهری آن‌ها را به عقب سوق می‌دهد. طرفی دیگر، گردشگری به یکی از مهم‌ترین منابع اشتغال در شهرهای کویری تبدیل شده است. این صنعت باعث ایجاد و رونق سرمایه‌گذاری‌های کلان در آن دسته از زیرساخت‌هایی شده است که شرایط زندگی افراد محلی را بهبود و ارتقا می‌بخشند. درواقع، جوامع پیچیدگی خاص خود را دارند و منابع مهمی برای گردشگری محسوب می‌شوند. با توجه به سمت و سوهایی که در زمینه پایداری به‌وجود آمده، مشارکت جوامع محلی تحت لوای گردشگری اجتماع‌محور یکی از محوریت‌های بسیار مهم برنامه‌های گردشگری است. گردشگری پایدار آخرین رویکرد برنامه‌ریزی توسعه قابل قبول در پی به حداقل رساندن آثار منفی شرایط طبیعی شهرهای بیابانی گردشگری است. درواقع، گردشگری

دارای مزایای اقتصادی حیرت‌آوری برای این جوامع است و در تعاملات بین سطوح محلی و جهانی نقش حائز اهمیتی دارد (توکر، ۲۰۰۳: ۱).

بعد فرهنگی

پایداری فرهنگی تضمین می‌کند که توسعه با فرهنگ و ارزش‌های مردمی که متأثر از آن‌اند سازگار بوده و هویت جامعه را حفظ کند. توسعه فرهنگی جنبه مکمل و پیوسته یک پدیده است و الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شود. امروزه، توسعه پایدار ارتباط مستقیمی با اجرایی و نهادینه‌شدن فرهنگ دارد (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۵). فرهنگ و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی توسط مسئولان شهری در شهرهای بیابانی از شرایط طبیعی شهر تبعیت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که فرهنگ شهر کویری با فرهنگ شهر کوهستانی بسیار متفاوت است. مثلاً، طرز لباس‌پوشیدن، طرز خانه‌ساختن، و شیوه مسافرت‌کردن و رفتارهای جمعی با توجه به شرایط اقلیمی متفاوت است. روابط اجتماعی و فرهنگی جزء ذاتی رابطه سیاسی بین شهروند و فضا است. «روابط شهروندان» هویت فرهنگی و اجتماعی آن شهر را شکل می‌دهد. به بیان ساده‌تر، جهان‌شهرهای کویری و بیابانی نقاط اتصال هستند که به‌عنوان مراکز نظارت عمل می‌کنند. این نظارت، بر کلاف به‌هم‌وابسته جریان‌های اطلاعاتی و مالی و جریان فرهنگی اعمال می‌شود. به‌علاوه، این جهان‌شهرها فصل مشترک میان فضای محلی و جهانی محسوب می‌شوند (جانستون و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۵۹). افزایش بی‌رویه جمعیت و احتیاج به مسکن بیشتر، بالا رفتن ارزش زمین، توسعه تکنولوژی و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی - که بهره‌وری بیشتری از زمین را توجیه می‌کند - باعث شده است که، ضمن کنار گذاشتن مصالح بومی و سنتی، طرح‌های سنتی همراه و سازگار با اقلیم نیز به کناری گذاشته شود و نتیجه آن به‌وجود آمدن نوعی معماری بی‌هویت است که هیچ‌گونه تناسبی با شرایط اقلیمی این‌گونه شهرها ندارد. فلسفه وجودی شهر خلاق این است که همیشه در یک مکان پتانسیل‌های خلاق وجود دارد. لیکن، باید شرایط به‌گونه‌ای باشد که مردم فکر کنند، برنامه‌ریزی نمایند و در استفاده از فرصت‌های به‌وجود آمده ابتکار عمل داشته باشند و مسائل شهری مهارنشده را اداره نمایند. زیرساخت‌های خلاق محدود به مواردی چون شبکه راه‌ها، فاضلاب، و ساختمان نیست، بلکه ترکیبی از سخت‌افزار و نرم‌افزار است. نرم‌افزارهای شهر خلاق شامل نیروی کار ماهر و انعطاف‌پذیر، متفکران پویا، خالقان آثار و مجریان است. خلاقیت نه تنها داشتن ایده است، بلکه ظرفیت کاربرد این ایده‌ها نیز هست. شهر خلاق استعدادها را شناسایی، پرورش، و جذب می‌کند و امکان تداوم آن را نیز فراهم می‌سازد. شهر خلاق را می‌توان رویکردی جای‌گزین برای احیای شهری دانست. نقطه کانونی شهر خلاق فرهنگ، آموزش، جو، یا فضای خلاقیت است. خلاقیت در احیا و توسعه مجدد شهرهای کویری بسیار مهم است. با توجه به اهمیت بالای فرهنگ در شهر خلاق، برنامه‌ریزان شهری باید رویکردی فرهنگی در برنامه‌ریزی‌هایشان داشته باشند و از منابع فرهنگی شهر برای توسعه آن استفاده کنند. «منابع فرهنگی در افراد شامل خلاقیت، مهارت، و استعداد است. آن‌ها مانند ساختمان‌ها شیء نیستند، بلکه مانند نمادها، فعالیت‌ها، و مجموعه‌ای از تولیدات محلی در هنر، خدمات، و صنایع‌اند. خلاقیت شیوه بهره‌برداری از این منابع و کمک به رشد آن‌هاست. وظیفه برنامه‌ریز شهری نیز شناسایی، مدیریت، و بهره‌برداری از این منابع است. به‌طور خلاصه شهرهای خلاق را می‌توان با واژگانی معرفی کرد، همچون تحمل‌پذیرش گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی، و فرهنگی؛ قدرت حل مسائل مختلف مدنی؛ ایجاد محیطی برای جذب افراد خلاق و مبتکر؛ ایجاد فضایی برای پرورش خلاقیت‌ها و ایده‌ها و به‌کارگیری ایده‌های ساکنان در جهت حل مسائل، رشد فرهنگی و توسعه. همچنین، با توجه به اهمیتی که رویکرد شهر خلاق به ایده‌ها و نوآوری افراد دارد، از نظر مدیریتی می‌توان مدیریت این شهرها را بر پایه حکمروایی دانست؛ به‌طوری‌که همه افراد می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های توسعه شهری

شراکت داشته باشند. فرهنگ نقطه کانونی شهرهای خلاق است؛ به طوری که سایر بخش‌ها متأثر از این بخش است. اقتصاد این شهرها پیوندخورده با فرهنگ و منابع فرهنگی است؛ اصطلاحاتی چون صنعت هنر، صنایع فرهنگی، و صنایع خلاق- که خمیرمایه آن فرهنگ و هنر است- واژگان رایج این شهرهاست. این شهرها برای رسیدن به خلاقیت باید بتوانند افراد خلاق یعنی نویسندگان، شاعران، پژوهشگران، هنرمندان، مهندسان، و ... را جذب کنند. این عده افرادی هستند که به دنبال محیط‌های جذاب می‌گردند و از این رو در مکان‌هایی مستقر می‌شوند که شرایط محیطی و فرهنگی باشد. از این رو، شهرهای بیابانی محیطی جذاب از لحاظ کالبدی، نهادی، اقتصادی، و فرهنگی برای بروز خلاقیت افراد ساکن و نیز جذب افراد متخصص و خلاق از بیرون مهیا می‌سازند. زیرا هر مکان ویژگی‌هایی دارد که در سایر مکان‌ها ممکن است وجود نداشته باشد و همین ویژگی منحصر به فرد می‌تواند مزیتی رقابتی برای یک شهر باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶). منابع فرهنگی مواد خام یک شهرند و پایه ارزش آن محسوب می‌شوند و به عنوان دارایی جای‌گزین عناصری مثل زغال سنگ، فولاد، و طلا می‌شوند. وظیفه برنامه‌ریز شهری نیز شناسایی، مدیریت، و بهره‌برداری از این منابع است (لاندری، ۲۰۰۶: ۱۹). در واقع، در این دهه هنر و فعالیت‌های فرهنگی به عنوان سازمان‌دهندگان به تغییر شهری و به عنوان عوامل رشد صنایع فرهنگی جدید مثل رسانه‌های دیجیتالی قلمداد می‌شوند. به طوری که ارتباطی معنادار بین حمایت از این فعالیت‌های جدید یعنی خوشه‌های خلاق و محیط فرهنگی وجود دارد (روبرتس، ۲۰۰۶: ۳۳۱). وجود صدها آثار و شاهکار معماری و طراحی بی‌نظیر سازه‌های کویری در شهرهای کویری و بیابانی ایران مانند یزد، کرمان، کاشان، و اصفهان بیانگر آن است که انسان‌ها در طول تاریخ، با توجه به قدمت حضورشان، مشاهده پتانسیل زیست انسانی و با توجه به تکنیک در دسترس بنیان زندگی اجتماعی را بنا نهاده و به ساخت انواع سازه‌های معماری خاص شرایط منطقه پرداخته‌اند. در واقع، یکی از ابعاد مهم در طراحی فضای شهری فرایند ادارک محیط است که محرک‌های خارجی زیادی در آن دخیل است. یکی از مهم‌ترین عناصر اقلیم است (کنز، ۲۰۰۳: ۳۱). شرایط آب و هوایی در کویر دشوار است، اما با طراحی‌های هم‌ساز با اقلیم و دیگر موارد در این مناطق، گذشتگان بر شرایط دشوار آن فائق آمده و زندگی در این مناطق را آسان کرده‌اند. فضا و محیط بستری برای فعالیت‌های انسانی تلقی می‌شود. بنابراین، فرهنگ‌های گوناگون مکان‌های خاص خود را می‌سازند. شواهد حاکی از آن است که مهاجرت یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر پراکنش افقی بی‌رویه این شهرهاست. هر دو نوع مهاجرت (مهاجرت از مرکز شهر به پیرامون و مهاجرت‌های روستا شهری) نقش بدون چون و چرایی در گسترش کالبدی و فضایی بی‌نظم و بی‌قاعده این شهرها داشته‌اند (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

بُعد زیستی

رشد کالبدی و فیزیکی یک شهر فرایندی است در دو قالب کلی گسترش بیرونی و درونی، که هر یک کالبدی با ویژگی‌های متفاوت را ایجاد می‌کند و در نهایت مدل خاصی از چهره کالبدی برجای می‌گذارد. توسعه کم‌تراکم و پراکنده مناطق شهری، به لحاظ آثار متعدد و مخرب بر محیط زیست شهری، اندیشمندان و سیاست‌گذاران مسائل شهری را به چاره‌جویی واداشته و بخش عمده‌ای از مباحث توسعه پایدار را در دهه‌های اخیر به خود اختصاص داده است (احدی، ۱۴۰۰: ۶۵۴). با ظهور پارادایم توسعه پایدار در کنفرانس ریو و در پی تبعات زیست‌محیطی حاصل از توسعه در شهرهای کویری، تبعات منفی رشد بی‌برنامه و تأثیرات درازمدت آن بر منابع طبیعی نمایان شد (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۵). شایان توجه است که در اطراف بسیاری از شهرهای کویری زمین مسطح و دارای شیب کم برای ساخت‌وسازهای شهری به‌وفور وجود دارد، بنابراین، بن‌بست‌نبودن این شهرها به نواحی کوهستانی و بازبودن فضای اطراف شهر کمک

زیادی به رشد پراکنده و توسعه پیرامونی سریع این شهرها کرده است (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۹). البته، این عامل هم در جهت مثبت هم در جهت منفی حائز توجه وافری است. چون در صورت ارزان بودن زمین و مهاجرت از روستا به شهر و از مرکز به پیرامون شهر مشکلات زیادی برای مسئولان شهری پدید می‌آورد که باید در برنامه‌ریزی‌های محیطی به آن توجه کرد. همچنین، شرایط آب و هوایی شهرهای بیابانی باعث ایجاد شرایط خاص زیست‌محیطی در این شهرها شده است. این شرایط نه تنها به نفع محیط زیست عمل نمی‌کند، بلکه مشکلاتی در حوزه زیست‌محیطی ایجاد کرده است. از جمله مشکلاتی که حیات شهرهای بیابانی را تهدید می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تغییرات اقلیم و گرمایش؛ سیل و خشک‌سالی؛ ریزگدها و گردوغبار؛ گازه‌های گلخانه‌ای. خشک‌سالی یکی از مخاطرات طبیعی اصلی در این شهرهاست (کوگان، ۱۹۹۷: ۶۲۲).

با توجه به رابطه متقابل و تنگاتنگ سازه‌های شهرهای بیابانی و محیط خارجی آن‌ها، فرایندهایی چون ساخت و بافت شهری، شکل، ارتفاع و اندازه بناها، جهت‌گیری خیابان‌ها و ساختمان‌ها، مصالح، سطح فضاهای باز، و پوشش گیاهی تحت تأثیر اقلیم خرد قرار می‌گیرند. به عبارتی، هر عنصر انسان‌ساخت شهری در بالا و اطراف خود اقلیم مصنوعی خاصی پدید می‌آورد که همواره با آن در ارتباط متقابل قرار می‌گیرد. شکل شهر و اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن، علاوه بر اینکه می‌توانند بر کیفیت فضاهای شهری اثر بگذارند، کیفیت هوای شهر را نیز می‌توانند تغییر دهند؛ به نحوی که تمرکز یا پراکندگی عناصر آلوده‌کننده هوا، که از مسائل عمده شهرهای امروز دنیا است و به جریان‌های جوی و تشکیل جزایر حرارتی در داخل شهر بستگی دارد، نیز تحت تأثیر شکل شهر قرار می‌گیرد (منتظری و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۱). مسکن جدید از نظر اقلیمی شرایط آسایش را فراهم نمی‌آورد و ساکنان از وسایل گرمایشی و سرمایشی نوین استفاده می‌کنند. استفاده از وسایل گرمایشی و سرمایشی جدید مصرف بی‌رویه انرژی را به دنبال دارد، به خصوص در زمستان آلودگی هوا را نیز به دنبال دارد و آلودگی هوای این‌گونه شهرها به گرم‌تر و خشک‌تر شدن شهرها کمک می‌کند. حجم ذرات معلق موجود در جو یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آلودگی هوا در این شهرهاست. هواویزها تأثیر زیادی در آب و هوا و محیط زندگی شهروندان دارد (وانگ، ۲۰۱۰: ۳۵). از طرف دیگر، افزایش جمعیت و توسعه فیزیکی شهرها بر بافت کالبدی شهرها نیز تأثیر می‌گذارد. دیگر شهرها را نمی‌توان در یک محدوده کوچک رها کرد. رشد شهر در سطح افقی از ویژگی‌های شهرهای این نواحی است. در بیست‌ساله اخیر نه معابر اصلی و نه معابر فرعی هیچ‌گونه همخوانی با اقلیم آن ندارند، به خصوص در این شهر بیشتر معابر اصلی و فرعی هم‌جهت با بادهایی می‌باشند که همواره مقدار زیادی ماسه و غبار با خود حمل می‌کنند و از این نظر هیچ‌گونه ترفندی در مقابل این پدیده به کار برده نشده است. توسعه روند تخریب و ناهنجاری‌ها در مناطق بیابانی و تداوم آن در دوره‌های بلندمدت آماری به شکل محسوس خطرآفرین است. از این رو، شناخت تغییرات ناشی از تخریب مناطق بیابانی به منظور برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با آن‌ها و تصحیح فعالیت‌های انسانی در مناطق حساس امری ضروری است. فرسایش بادی در مناطق بیابانی شدیدتر است و با قدرت زیادی به تخریب اراضی و زیستگاه‌ها و ورود مستقیم ماسه روان به مزارع، افزایش شوری آب تخریب مراتع، و نابودی پوشش گیاهی و افزایش بیکاری و مهاجرت و تغییر کاربری اراضی منجر می‌شود. در نتیجه، سیاست‌گذاران شهری باید این قبیل مشکلات را برای تدوین و اجرای سیاست‌های فضایی در نظر بگیرند و اقلیم شهرها را، که به وجود آورنده شرایط ویژه زیست‌محیطی برای آن‌هاست، در برنامه‌های مدیریتی خود بگنجانند. با توجه به مطالب گفته شده در زمینه توسعه و پایداری شهرهای کویری و بیابانی، می‌توان به سیاست‌های فضایی زیر توجه کرد: الف) افزایش قدرت جذب گروه‌های مختلف انسانی با فرهنگ‌های مختلف؛ ب) فراهم کردن بستری مناسب برای ظهور ایده‌های ساکنان و تبادل این ایده‌ها و در نهایت استفاده از آن‌ها جهت حل مشکلات و مسائل و نیز توسعه اقتصادی، اجتماعی، و شهری با توجه به شرایط

محیطی و اقلیمی. با وجودی که از رخداد خشک‌سالی نمی‌توان جلوگیری کرد، اگر ماهیت و خصوصیات آن مطالعه و بررسی شود، می‌توان به پیش‌بینی آن تا حد مقدور اقدام کرد و با آمادگی و برنامه‌ریزی قبلی اثرهای زیان‌بار آن را کاهش داد و در صورت امکان مهار نمود؛ پ) دسترسی شهر به استعدادها و منابع انسانی و فکری (طبقه خلاق)؛ ت) دسترسی این شهرها به فناوری‌های سطح بالا و داشتن اقتصادی پیشرفته؛ ث) قدرت و توان ویژه این شهرها در مواجهه با بحران‌هایی چون فقر، بی‌خانمانی، بافت‌های فرسوده، و ...؛ ج) وجود حکمروایی خوب در این شهرها؛ به طوری که می‌توان سه عنصر - دولت محلی، NGOها، و بخش خصوصی - را در کنار هم و در تعامل با هم دید؛ چ) جایگاه ویژه فرهنگ در ابعاد مختلف شهر و نیز سیاست‌ها و برنامه‌های شهری و استفاده مؤثر از تمام منابع فرهنگی.

نتیجه‌گیری

تحولات سریع در دنیای امروز امکان تحقق برنامه‌های توسعه را بدون بازنگری مستمر ناممکن کرده است. علاوه بر این، امکانات، توانایی‌ها، و اولویت‌های جامعه شهری مرتباً در حال تغییر است. بنابراین، با افزایش تعداد شهرها، درک وضعیت جغرافیای طبیعی و انسانی شهری و تعیین میزان کمبود و عدم تعادل در سطوح مختلف ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا توجه به اقلیم و گونه‌شناسی شهری، به دلیل نقشی که در رفع نیاز جوامع شهری و روح و روان شهروندان دارد، از اهمیت شایانی در سیاست‌های فضایی شهر و در راستای توسعه آن برخوردار است. بنابراین، آگاهی از وضعیت اقلیمی برای برنامه‌ریزی و مدیریت این فضاها امری ضروری است. به طور کلی، در تدوین و اجرای سیاست‌های فضایی در شهرهای بیابانی و کویری مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی، و محیطی دخیل است. در بخش اجتماعی - فرهنگی نرخ بالای رشد جمعیت هم به صورت طبیعی هم به صورت مهاجرت به این شهرها حائز اهمیت است. در واقع، این شهرها، به علت دارا بودن پتانسیل بالا در زمینه صنعتی شدن و استقرار انواع صنایع، جاذب جمعیت بوده‌اند. همچنین، ویژگی جغرافیایی و محیطی این شهرها یعنی استقرار در دشت و داشتن فاصله زیاد با کوه‌های اطراف یا همان بن‌بست‌های طبیعی به علت در دسترس بودن زمین زیاد برای ساخت‌وساز، از یک طرف، و نداشتن آب کافی برای کشاورزی و در نتیجه بایر بودن زمین‌های اطراف شهرها، از طرف دیگر، شهرها از هر سمت گسترش یافته و دچار پراکندگی و تفرق فضایی شده‌اند. به نظر می‌رسد در طرح‌های جدید اجرا شده در این شهرها به این موضوع توجهی نشده است. خشک‌سالی از چالش‌های اساسی این مناطق است که در صورت بی‌توجهی به بحران تبدیل می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد شهرهای کویری و بیابانی، در کنار محدودیت‌ها، دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای هم هستند و نوع و روش تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت در شهرهای کویری و بیابانی با توجه به شرایط جغرافیایی باید ویژه و متفاوت از سایر شهرها باشد. بنابراین، شهرهای کویری و بیابانی به سیاست‌های فضایی ویژه نیازمندند. از آنجا که هر فضایی می‌تواند در رویارویی با عوامل مختلف (طبیعی - انسانی) دارای رتبه‌بندی‌هایی باشد، شهرهای بیابانی و کویری به دلیل شرایط خاص اقلیمی، در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و زیست‌محیطی نیز دارای شرایط ویژه‌اند. البته نمی‌توان گفت شهرهای بیابانی فقط دچار محدودیت و نقصان‌اند، بلکه پتانسیل‌های بالقوه شهرهای کویری در حوزه‌های مختلف مانند گردشگری، گیاهان دارویی، و ساخت کارخانجات صنعتی تولیدات ساختمانی و ... با مدیریت و برنامه‌ریزی درست مسئولان شهری و سرمایه می‌تواند بالفعل شود. با این حال، از منظر جغرافیا، با توجه به ارتباط متقابل فضا و سیاست، گردآوری زمینه‌های کسب و گسترش توسعه، در شهرهای بیابانی، نسبت به شهرهای ساحلی و کوهستانی، مشکل‌تر و نیازمند مدیریت سازمان یافته و هدفمند سیاسی - فضایی است. بنابراین، می‌توان تأثیرات آب و هوایی بر مسائل سیاسی و

اقتصادی و فرهنگی و بر شکل‌گیری ساخت و بافت‌های سیاسی- اجتماعی گروه‌های انسانی را در مکان‌های شهری در چارچوب حوزه سیاست‌های فضای شهری واکاوی کرد.

منابع

۱. آسایش، حسین، ۱۳۸۲، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، انتشارات پیام نور.
۲. احدی، محمدرضا و شاه‌حسینی، لیلا، ۱۴۰۰، توسعه مبتنی بر حمل و نقل عمومی در مناطق شهری (مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر قزوین)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۵۳، شماره ۲، صص ۶۷۳-۶۵۳ DOI: 10.22059/jhgr.2020.215905.1007302
۳. اسماعیل‌نژاد، مرتضی؛ طاووسی، تقی و اسکندی، محمد، ۱۳۹۳، بحران آب و ضرورت تغییر الگوی کشت در مناطق خشک، فصل‌نامه *کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی*، شماره ۳.
۴. امیری، محمدجواد؛ ماهینی، سلمان؛ جلالی، عبدالرسول و حسینی، سیدمحسن، ۱۳۸۸، مقایسه روش سیستمی ادغام نقشه‌ها و ترکیب منطق بولین- فازی، *مجله علوم محیطی*، شماره ۲.
۵. ایلدرمی، علی‌رضا؛ مرادی، مینا و قربانی، محمد، ۱۳۹۷، تأثیر شدت بیابان‌زایی و فرسایش بادی در تخریب زیستگاه همدان، فصل‌نامه *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۹، شماره ۱.
۶. بدیعی، مرجان و حسینی، نرجس سادات، ۱۳۹۹، رویکرد سیستمی به شهر به مثابه یک سیستم سیاسی- فضایی از دیدگاه کوهن و سوچا، فصل‌نامه *ژئوپلیتیک*، سال شانزدهم، شماره ۲.
۷. بلاذیس، علی؛ بی‌باک، غلام‌حسین و ذکی، قربان‌علی، ۱۳۸۵، تحلیل کنش‌های فضای طبیعی ایران بر جغرافیای سیاسی آن، فصل‌نامه *چشم‌انداز جغرافیایی*، شماره ۲.
۸. پوراحمد، احمد؛ حانمی‌نژاد، حسین؛ رهنمایی، محمدتقی؛ قالیباف، محمداقبر و حسینی، سیدعلی، ۱۳۹۳، تبیین نقش شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۲، ش ۲.
۹. جانستون، ارجی؛ تیلور، پیتر و واتس، مایکل، ۱۳۸۳، *جغرافیاهای تحول جهانی*، ترجمه نسرين نوریان، تهران: دوره عالی جنگ.
۱۰. حسینی‌نسب، سبیکه سادات؛ طیبی، سیدمصطفی و مرسل، باقر، ۱۳۹۹، نقش گردشگری ورزشی در توسعه پایدار شهر مشهد، *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، دوره ۳، شماره ۱۲(۳).
۱۱. خوش‌اخلاق، فرامرز؛ عزیزی، قاسم و رحیمی، مجتبی، ۱۳۹۱، الگوهای همدید خشک‌سالی و ترسالی زمستانه در جنوب غرب ایران، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، شماره ۲۵.
۱۲. درسخوان، رسول و جعفری پابندی، محمدحسین، ۱۳۹۶، تحلیل اثرات اقتصاد سیاسی اسلامی بر توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهر زنجان)، فصل‌نامه *اقتصاد و مدیریت شهری*، (۱)۶.
۱۳. درویشی، یوسف، ۱۴۰۰، ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهر با استفاده از ماتریس چهارگانه جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: شهر مرنده، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، (۲)۵۳، DOI: 10.22059/jhgr.2020.309717.1008168
۱۴. راهپیمان، عبدالمجید و غلامی، بهادر، ۱۴۰۰، بررسی چالش‌های فضای توسعه شهری و اثرات آن برای امنیت ملی ایران، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۵۳، شماره ۲، صص ۶۳۷-۶۵۲ DOI: 10.22059/jhgr.2020.297525.1008078
۱۵. رحیمی، لیلا و صبوری، صابر، ۱۳۹۷، تأثیر اقلیم بر طرحواره‌های ذهنی شهروندان در ادراک فضای شهری، فصل‌نامه *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۹، شماره ۳.
۱۶. روسی، یوگو و وانولو، آربرتو، ۱۳۹۵، *جغرافیاهای سیاسی شهر*، ترجمه علی ولیقلی‌زاده و مهدی کریمی، انتشارات دانشگاه مراغه.
۱۷. زنگانه، احمد و معمری، ابراهیم، ۱۴۰۰، واکاوی و پایش سیاست‌های اجتماعی- فضایی در پهنه جغرافیایی شهر (موردپژوهی: شهر گرگان)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۳۵، شماره ۲، صص ۴۷۵-۴۹۷ DOI: 10.22059/jhgr.2020.240347.1007533
۱۸. زنگنه، سعید؛ مجیدی، آیتا و کاویانی، آزاده، ۱۳۹۱، تبیینی جامع بر علل و عوامل مؤثر بر پراکنش افقی شهرها مطالعه موردی، شهر یزد، فصل‌نامه *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، (۲)۲۵.
۱۹. سعیدی، علی و ارجمند، رضا، ۱۳۹۳، بررسی شاخص گرمایش بر فعالیت‌های انسان، فصل‌نامه *بین‌المللی جغرافیا*، دوره ۱۲، شماره ۴۳.

۲۰. سیداخلاقی، سیدجعفر؛ عباسی، حمیدرضا؛ رفیعی، عمار و درویش، محمد، ۱۳۹۱، توان پذیرش جمعیتی سرزمین، معیاری مهم در ارزیابی روند بیابان‌زایی، فصل‌نامه علمی- پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، شماره ۳.
۲۱. صابری‌فر، رستم و خزایی، آمنه، ۱۳۹۴، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی بیابان‌زایی بر شهرها، کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، شماره ۱.
۲۲. طالشی، مصطفی و سلطانی، ریحانه، ۱۳۹۳، کارآمدی نظام‌های زراعی با تأکید بر توسعه پایدار، فصل‌نامه بین‌المللی جغرافیا، سال ۱۲، شماره ۴۳.
۲۳. علی‌پور، عباس؛ هاشمی، سیدمصطفی؛ خلیفه، ابراهیم و مرادی، ابوالفضل، ۱۳۹۶، نقش گردشگری در توسعه پایدار اجتماعی مناطق کویری و بیابانی، فصل‌نامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۲۸.
۲۴. فتاحی، احمد؛ قرایی‌منش، سمانه و قرایی‌منش، علی، ۱۳۹۴، سنجش درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی- اجتماعی در مناطق بیابانی مطالعه موردی: منطقه آب‌جاغاج، فصل‌نامه علمی- پژوهشی خشک بوم، شماره ۲.
۲۵. قدیری معصوم، مجتبی؛ رفیعی، یوسف و نصیری، حسین، ۱۳۹۱، پیاده‌سازی مدل آمایشی کشاورزی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۵.
۲۶. قربانی، رسول؛ حسین‌آبادی، سعید و طورانی، علی، ۱۳۹۲، شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه محیط شهری، فصل‌نامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۱۱.
۲۷. کامران، حسن؛ بدیعی، مرجان؛ ذکی، یاشار؛ احمدی، عباس و حسینی، نرجس، ۱۳۹۷، مطالعه شهر در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک با تأکید بر نظر گاتمن و کاکس، فصل‌نامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۵۶.
- ۲۸.
۲۹. کامران، حسن و حسینی، نرجس سادات، ۱۳۹۸، روابط متقابل سیاست و فضای شهر با تأکید بر گونه‌شناسی اقلیمی، فصل‌نامه جغرافیا، ۱۷(۶۳).
۳۰. کریمی، مهرداد، ۱۳۹۱، سنجش پایداری گردشگری از نگاه جامعه محلی؛ مطالعه موردی شهر نیاسر، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۵.
۳۱. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۹۲، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
۳۲. محمدی، محمود و همکاران، ۱۳۹۷، ارزیابی اثرات رقابت‌پذیری بر دگرگونی شبکه شهری به کمک روش تحلیل شبکه اجتماعی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۷(۱).
۳۳. مشک‌بید، الهام؛ آمار، تیمور و قریشی، محمد، ۱۳۹۹، تحلیل تطبیقی سیاست‌های توسعه کشاورزی در دو دهه اخیر در استان گیلان با تأکید بر توسعه پایدار (شهرستان رودسر)، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۳).
۳۴. منتظری، مرجان؛ جهانشاهلو، لالا و ماجدی، حمید، ۱۳۹۶، تأثیر شکل کالبدی بلوک‌های شهری بر خرداقلیم فضاهای باز شهری در اقلیم گرم و خشک مطالعه موردی: شهر یزد، فصل‌نامه مطالعات شهری ایرانی اسلامی، شماره ۲۹.
۳۵. میرحیدر، دره، ۱۳۸۶، مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۶. میرحیدر، دره و میراحمدی، فاطمه سادات، ۱۳۹۷، سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی سنتی و مدرن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۷. مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۸. نظریان، اصغر، ۱۳۸۸، پویایی سیستم شهری، تهران: انتشارات مبتکران.
۳۹. هاروی، دیوید، ۱۳۸۷، شهری‌شدن سرمایه، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: نشر اختران.
۴۰. یوسفی، علی و مؤمنی، میترا، ۱۳۹۳، سیاست شهری و توسعه پایدار شهر، مطالعه موردی: حاشیه‌نشینی در مشهد، هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر)، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه خوارزمی.
41. Ahadi, Mohammad Reza and Shah Hosseini, Leila, 2021, Development Based on Public Transportation in Urban Areas Case Study: Region 3 of Qazvin City, *Human Geographic Research*, Vol. 533, No. 212.
42. Alipour, Abbas; Hashemi, Seyed Mostafa; Khalifa, Ibrahim and Moradi, Abolfazl, 2017, The Role of Tourism in Sustainable Social Development of Desert and Desert Areas, *Regional Planning Quarterly*, No. 28.
43. Allen, J., 2003, *Lost Geographies of power*. Oxford: Blackwell.

44. Amiri, Mohammad Javad; Mahini, Salman; Jalali, Abdolrasoul and Hosseini, Seyed Mohsen, 2009, Comparison of Systematic Method of Integrating Maps and Composition of Boolean-Fuzzy Logic,
45. Asayesh, Hossein, 2003, *Principles and methods of regional planning*, Payame Noor Publications.
46. Badi'i, Marjan and Hosseini, Narjes Sadat, 2018, A systemic approach to the city as a spatio-political system from the perspective of Cohen and Suja. *Geopolitical Quarterly*, Year 16, No. 2.
47. Bellù, L. G.; Cistulli, V.; Marta, S. and Timpano, F., 2011, *Assessing regional competitiveness: analysis of stock indicators and flows variables*.
48. Bladpas, Ali; Bibak, Gholam Hossein and Zaki, Ghorban Ali, 2006, Analysis of the actions of Iran's natural space on its political geography, *Geographical Perspective Quarterly*, No. 2.
49. Cai, P. Y.; Huang, H. G.; Yang, F. Z.; Sun, W. and Chen, B., 2009, Investigation of public's perception towards rural sustainable development based on two-level expert system, *Expert Systems with Applications*. Vol. 36, No. 5, pp. 8910-8924.
50. Crutchfield R.; Geerken, M. and Gove, W., 1982, Crime rate and social integration. *Criminology* 20, Med. 29, 357.
51. Darskhan, Rasoul and Jafari Pabandi, Mohammad Hussein, 2017, Analysis of the effects of Islamic political economy on sustainable urban development (Case study: Zanjan city). *Quarterly Journal of Urban Economics and Management*, 6(1).
52. Darwish, Yusuf, 2021, Quantitative and qualitative evaluation of urban land use using a quadratic matrix to achieve the goals of sustainable urban development Case study: Marand city, *Human Geographic Research*, 53(2). DOI: 10.22059 / jhgr.2020.309717.1008168
53. Duran-Encalada, J. A. and Paucar-Caceres, A., 2007, Sustainability model for the valsequillo lake in Puebla, Mexico: combining system dynamics and sustainable urban development. In *The 2007 International Conference of the System Dynamics Society and 50th Anniversay Celebration*.
54. Fattahi, Ahmad; Qaraei Manesh, Samaneh and Qaraei Manesh, Ali, 2015, Assessing the degree of socio-economic development in desert areas Case study: Jaghaghagh water region, *Khoshk-e-Boom Quarterly*, No. 2.
55. Friedman, J., 1995, *Where we stand: A decade of world city resarch*, in P.L.Knox and P.J.
56. Ghadiri Masoom, Mojtaba; Rafiei, Yousef and Nasiri, Hossein, 2012, Implementation of agricultural breeding model, *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, No. 25.
57. Ghorbani, Rasoul; Hosseinabadi, Saeed and Torani, Ali, 2013, Creative cities, cultural record in urban development, *Quarterly Journal of Geographical Studies of Arid Areas*, No. 11.
58. Harvey, David, 2008, *Urbanization of Capital*, Translated by Aref Aghvami Moghadam, Tehran: Akhtaran Publishing.
59. Hosseini Nasab, Sabikeh Sadat; Taybi, Seyed Mostafa and Morsal, Baqer, 2020, The role of sports tourism in the sustainable development of Mashhad. *New Attitudes in Human Geography*, NO 12(3).
60. Hutchison, R., 2010, Chicago school of urban sociology, *Encyclopedia of urban studies*, pp. 127-131.
61. Ildermi, Alireza; Moradi, Mina and Ghorbani, Mohammad, 2018, The effect of desertification intensity and wind erosion on habitat destruction in Hamedan, *Quarterly Journal of Geography and Environmental Planning*, Vol. 29, No. 1.
62. Ismail Nejad, Morteza; Tavousi, Taghi and Eskandi, Mohammad, 2014, Water Crisis and the Necessity of Changing the Cultivation Pattern in Arid Areas, *Quarterly Journal of Desert Geographical Exploration*, No. 3.
63. Johnston, R.G.; Taylor, Peter and Watts, Michael, 2004, *Geographies of Global Change*, Translator, Nasrin Nourian, Tehran: The High War Period.
64. *Journal of Environmental Sciences*, No. 2.
65. Kamran, Hassan and Hosseini, Narjes Sadat, 2019, Interrelationships between politics and urban space with emphasis on climate typology, *Geography Quarterly*, 17 (63).
66. Kamran, Hassan; Badiiei, Marjan; Zaki, Yashar; Ahmadi, Abbas and Hosseini, Narjes, 2018, Study of the city in political and geopolitical geography with emphasis on Guttman and Cox, *International Quarterly of the Geographical Society of Iran*, No. 56.
67. Karami, Mehrdad, 2012, Assessing the sustainability of tourism from the perspective of the local community; Case study of Niasar city. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, No. 25.

68. Kellehr, A. and Slauraklin, N., 2014, *Global perspectives hand book for understanding global*. 59 issues, Publisher: Pearson.
69. Khoshakhlagh, Faramarz; Azizi, Ghasem and Rahimi, Mojtaba, 2012, Synoptic patterns of drought and winter wetland in southwestern Iran. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, No. 25.
70. Knez, I., 2003, Climate: A nested physical structure in places. *The 5th International Conference on Urban Climate (ICUC-5)*, Lodz, Poland, University of Gavle, Department of Technology & Built Environment, 31 p.
71. Knez, I., 2003a, Memory for climate and places. *The 5th International Conference on Urban Climate (ICUC-5)*, Lodz, Poland, University of Gavle, Department of Technology & Built Environment, 52 p.
72. Kogan, F.N, 1997, Global Drought Watch from Space. *Bulletin of the American Meteorological Society*. 78(4), 621-636.
73. Krugman, P., 1999, The role of geography in development, *International Regional Science Review*, 22(2), 142-161.
74. Landry, Ch., 2006, Lineages of the creative city. *Research Journal for Creative Cities*. Vol. 1, No. 1.
75. Mirhaidar, Dorreh and Mirahmadi, Fatemeh Sadat, 2018, *The course of thought in traditional and modern political geography*, Tehran: University of Tehran Press.
76. Mirhaidar, Dorreh, 2007, *Basic concepts in political geography*. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces.
77. Mohammadi, Mahmoud et al., 2018, Evaluating the effects of competitiveness on urban network transformation using social network analysis method (studied in Isfahan). *Quarterly Journal of Urban Economics and Management*, 7(1).
78. Mojtahedzadeh, Pirooz, 2013, *Political Geography and Geographical Politics*, Tehran: Position.
79. Montazeri, Marjan; Jahanshahloo, Lala and Majedi, Hamid, 2017, The effect of the physical shape of urban blocks on the microclimate of urban open spaces in hot and dry climates Case study: Yazd, *Iranian-Islamic Urban Studies Quarterly*, No. 29.
80. Moshkbid, Elham; Amar, Timur and Qureshi, Mohammad, 2020, Comparative analysis of agricultural development policies in the last two decades in Gilan province with emphasis on sustainable development (Rudsar city). *New Attitudes in Human Geography*, 12(3).
81. Muir, Richard, 2000, *New Perspectives on Political Geography, translated by Dar Haidar Haider*, Tehran: Publications of the Geographical Organization of the Armed Forces.
82. Nazarian, Asghar, 2009, *Urban System Dynamics*, Tehran: Innovators Publishing.
83. Pourahmad, Ahmad; Hatami Nejad, Hossein; Rahnamayi, Mohammad Taghi; Qalibaf, Mohammad Baqer and Hosseini, Seyed Ali, 2014, Explaining the role of urbanization on the development of political culture in Iran, Tehran: *Geographical Research in Urban Planning*, Vol. 2, No. 2.
84. Raffestin, J., 1980, *Auxborddupolitique*. Paris: Gallimard, Eng. transl. on the Shore of politics. London: Verso.
85. Rahimi, Leila and Sabouri, Saber, 2018, The Impact of Climate on Citizens' Mental Schemas in Urban Perceptions, *Quarterly Journal of Geography and Environmental Planning*, Vol. 29, No. 3.
86. Rahpama, Abdolmajid and Gholami, Bahador, 2021, Investigating the Spatial Challenges of Urban Development and Its Effects on Iran's National Security, *Human Geographic Research*, Vol. 53, No. 2, pp. 637-652 DOI: 10.22059/jhgr.2020.297525.1008078.
87. Roberts, M., 2006, *From 'creative city' to 'no-go areas' The expansion of the night-time economy in British town and city centres*. P. 331.
88. Rossi, Yogo and Vanolo, Arberto, 2016, *Political Geographies of the City*, translated by Ali Valigolizadeh and Mehdi Karimi, Maragheh University Press.
89. Saberifar, Rostam and Khazaei, Ameneh, 2015, Social and Economic Impacts of Desertification on Cities, *Geographical Explorations of Desert Areas*, No. 1.
90. Saeedi, Ali and Arjmand, Reza, 2014, Investigation of heating index on human activities. *International Geography Quarterly*. Vol. 12, No. 43.
91. Sayed Akhlaqi, Syed Jafar; Abbasi, Hamid Reza; Rafiei, Ammar and Darvish, Mohammad, 2012, Capacity of population acceptance of the land, an important criterion in evaluating the process of desertification, *Iranian Journal of Range and Desert Research*, No. 3.

92. Short, John Rennie, 2007, *Liquid City: Megalopolis and the Contemporary Northeast*, Washington, DC, Resources for the Future
93. Taleshi, Mostafa and Soltani, Reyhaneh, 2014, Efficiency of agricultural systems with emphasis on sustainable development. *International Geography Quarterly*. Year 12, No. 43.
94. Tucker, H., 2003, *Living with Tourism Negotiating identities in a Turkish village*, Routledge, Taylor & Francis group: London and Newyork.
95. Wang, Yan and Shen, Neng, 2016, Environmental regulation and environmental productivity: The case of China, Vol. 62, pp. 758-766.
96. Wang, Z.; Chen, L.; Tao, J.; Zhang, Y. and Su., L., 2010, Satellite-based stimation of regional particulate matter (PM) in Beijing using vertical-and-RH correcting method, *Remote Sensing of Environment*, Vol. 114, pp. 50-63.
97. Yousefi, Ali and Momeni, Mitra, 2014, Urban Policy and Sustainable Urban Development, Case Study: Marginalization in Mashhad, *7th Congress of the Iranian Geopolitical Association (Political Geography of the City)*. Tehran: Iranian Geopolitical Association, Kharazmi University.
98. Zangaaneh, Ahmad and Muammari, Ibrahim, 2021, Analysis and monitoring of socio-spatial policies in the geographical area of the city (case study: Gorgan city), *Human Geography Research*, Volume 35, Number 2, pp. 475-497 DOI: 10.22059 / jhgr.2020.240347.1007533.
99. Zanganeh, Saeed; Majidi, Anita and Kaviani, Azadeh, 2012, Comprehensive explanation of the causes and factors affecting the horizontal distribution of cities Case study, Yazd. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 25(2).